

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار وزیر و مسؤولان جهاد سازندگی در هفته منابع طبیعی - 14 / اسفند / 1377

بسم الله الرحمن الرحيم

بنده هر سال در چنین روزهایی شخصاً درخت می‌کارم و این کار مخصوص امسال نیست. ولی امسال، تعمداً انتخاب کردم که این درختکاری و احترام به گیاه و تجلیل از منطق نگاهبانی از منابع طبیعی و فضای سبز، در ملاء عام انجام گیرد؛ چون احساس می‌کنم حقیقتاً کشور به این قضیه به‌طور جدی نیازمند است. درخت، مظهر حیات در طبیعتی است که ما آن را بانگاه عامیانه، بی‌جان می‌پنداریم. درخت و گیاه، در استفاده‌ی از منابع غیرقابل دسترسی در اعماق زمین و در میان ذرات خاک و تبدیل آنها به یک موجود مجسم زیبای بالنده‌ی رشد یابنده‌ی زنده، نمایشگر یک معجزه‌ی عظیم الهی‌اند. درخت و گیاه، تاکنون تنها راهروهایی هستند که انسان از طریق آنها توانسته به منابع عظیم و متنوع غذایی در زیر خاک دسترسی پیدا کند؛ آن منابع را استحصال نماید و عالم وجود و زندگی بشر را از آن بهره‌مند سازد.

این گیاهی که متأسفانه در لابلای چرخ و پیر صنعت - بخصوص در کشورهایی که تازه با صنعت آشنا می‌شوند - چنین مورد تحقیر قرار می‌گیرد، مایه‌ی حقیقی وجود انسان است. یعنی منبع بی‌پایان مواد حیاتی و غذایی درون خاک، تبدیل به گیاه می‌شود و از گیاه به انسان تبدیل می‌گردد؛ حال یا به واسطه‌ی حیوان، یا بدون واسطه‌ی آن. این است که «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ» (185)؛ من و شما منتسب به نطفه‌ای هستیم که تولید شده‌ی از مواد گیاهی و حیوانی است که اینها فرآورده‌ی خاکند. پس با یک واسطه یا دو واسطه، همه‌ی آحاد بشر و همه‌ی آحاد حیوان، متولد از خاکند؛ «مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ» (186) و واسطه هم گیاه است. اگر گیاه نباشد، انسان نیست. اگر گیاه نباشد، حیوان نیست. با توجه به چرخه‌ی پیچیده‌ی طبیعت و تأثیر متقابل آب و هوا و خاک و درخت بر روی یکدیگر، اگر گیاه نباشد هوا هم نیست. گیاه یک پایه‌ی اساسی وجود است؛ ولی متأسفانه ما گیاه و درخت را با این چشم نگاه نمی‌کنیم. از این روست که مراتع تخریب می‌شوند، جنگلها تخریب می‌شوند و درختها و باغها در محیطهای شهری - حتی در محیطهای غیر شهری احياناً به توهّم منافع موهوم - از بین می‌روند.

من امروز از بعضی آقایان که در نمایشگاه گل و گیاه توضیح می‌دادند، راجع به اهمیت صنوبر، موادی که صنوبر می‌تواند برای ما به وجود بیاورد و کارهای تحقیقاتی که روی صنوبر انجام گرفته، مطالبی شنیدم. یادم آمد چندی پیش - شاید دو سه سال قبل - گزارشی به دستم رسید از فردی که شکایت کرده بود که در یک مجموعه‌ی عظیم در محلی نه چندان دور از تهران، چندین هزار درخت صنوبر را، چند نفر سرمایه‌خواه - نباید گفت سرمایه‌دار یا سرمایه‌گذار؛ سرمایه‌خواه - قطع کرده‌اند برای این که در آن مکان یک مجموعه‌ی ساختمانی بسازند و فلان قیمت بفروشند! این گونه بی‌اعتنائیها به گیاه، به درخت، به باغ و به عوامل طبیعی حیات و وجود، برای کشور ضایعه آفرین است. ما کشوری داریم که از لحاظ وسعت خاک، یکی از کشورهای غنی است. گفته می‌شود آب کم داریم و البته درست است؛ اما به تجربه دانسته شده است که با آب کم هم - همراه با صرفه‌جویی و روشهای علمی - می‌شود زمین را آباد کرد. ما اگر تلاش کنیم؛ اگر از روشهای علمی استفاده کنیم و مدیریت درست را به کار ببریم، با همین میزان موجودی آبی که در ایران داریم، می‌توانیم این سرزمین وسیع را یکپارچه پوشش گیاهی دهیم. برای ما مایه‌ی شرمندگی است که با وجود این کشور غنی، محصولات گیاهی و حتی مواد غذایی لازم را از دیگران بگیریم. درست مثل کشوری که زمین و امکانات و این تاریخ عظیم کشاورزی را ندارد. این وضعیت را باید شما آقایان - شما مسؤولان و وزرای ذی‌ربط - به یک وضعیت درست تبدیل کنید.

ما باید بتوانیم با برنامه‌ریزیهای دقیق، با مدیریت قوی و با اصرار و جدیت در کار، خودمان را از تضییع خسارتبار منابع حیاتی و طبیعی - مانند درخت و آب و خاک - نجات دهیم. البته کارهای بسیار خوبی شده است - مقداری را من می‌دانستم، مقداری هم امروز در این جا اطلاع پیدا کردم - اما این کارها را باید به طور جدی دنبال کنیم. باید در مراحل عملی، با اصرار به دنبال تحقق اهداف سازنده باشیم. برای ما مسأله‌ی محیط زیست یا حفظ منابع طبیعی،

مسأله‌ای تجمّلاتی و درجه‌ی دو نیست؛ یک مسأله‌ی حیاتی است. در تلاش ما برای توسعه‌ی کشور، اولویّت باید در این بخش باشد. تکیه هم باید روی این بخش باشد. حتی گرایش به صنعت باید با توجّه به این بخش باشد تا کشور بتواند استفاده کند؛ تا ما که کشوری هستیم به‌طور طبیعی از طبیعت خوب و مناسب برخوردار - به‌رحال امکانات اقلیمی هست و آنچه تخریب شده است، به‌دست بشر تخریب شده است - بتوانیم از این امکانات استفاده کرده و آنها را زیاد کنیم و نگذاریم آن منابع از بین برود.

مسأله‌ی کویرزدایی و بیابان‌زدایی باید جزو کارهای اساسی باشد و در برنامه‌ی جدّی قرار گیرد. همین موردی که الان اشاره شد - کاری که گفتند انجام گرفته؛ آبخوان‌داری - خوب است. نام خوبی است، کار خوبی هم هست؛ استفاده از سیلابها به نحو صحیح و درست، با شکلهای صحیح. باید این طرحها و امثال این طرحها انجام شود. طرحهای متعدّدی از این قبیل را می‌شود پیش‌بینی کرد که به سرمایه‌گذاریهای کلان هم نیازی ندارد و فقط با ابتکار، دنبال‌گیری، دلسوزی و هماهنگی بخشهای مختلف با یکدیگر، تحقق پیدا می‌کند.

امیدواریم که ان‌شاءالله همه - هم دولت، هم آحاد ملت و هم مسؤولان بخشهای مختلف - به مسأله‌ی مهمّ حفظ منابع طبیعی، گیاه، درخت، کشاورزی، استفاده‌ی بهینه از آب، خاک و امکانات گوناگون دیگر، به‌طور جدّی بپردازند و ما در برنامه‌ی آینده - برنامه‌ی سوم - مشاهده کنیم که اولویّت با این کارهاست. این کارها قاعده‌اش در کشور خود ماست. امکانش، ذوقش، هوشش، تواناییهایش در این‌جا بحمدالله هست. در واقع احیای آن چیزی است که وجود دارد؛ وام‌گرفتن و دريوزگی در آن نیست و جوشیدن امکانات درونی کشور و ملت است. ان‌شاءالله غلبه با این طرف باشد. جهت‌گیری این باشد که بتوانیم برای آینده‌ی این بخش، امیدهای بیشتری را در دل‌های خودمان زنده کنیم. من از همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز به خاطر زحماتی که کشیدید تشکر می‌کنم. ان‌شاءالله موفق باشید. از مسؤولان محترم به خاطر تلاشی که می‌کنند تشکر می‌کنم و امیدوارم خداوند توفیق دهد که این تلاش را مضاعف کنند.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

185) فاطر: 11

186) طه: 55